



مقاله پژوهشی

بازشناسی الگوی معماری خانقاه‌های دوره تیموری با نگاهی بر اسناد و متون

محمد شیخ الحکمایی^۱، احد نژاد ابراهیمی^۲*

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز،

تبریز، ایران

۲- دکتری معماری، دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

(دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۶، پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶)

چکیده

تصوف و ابنیه خانقاهی بخش جدانشدنی از تاریخ معماری ایران بوده که چند سده به‌عنوان مرکزی برای ترویج دین اسلام و گسترش آن در مناطق مختلف محسوب می‌شد. این بناها که در منابع گوناگون جز ابنیه خیر شمرده می‌شوند ساختار آن در ادوار متمادی به شیوه مختلفی بنا شده است. عصر تیموریان آخرین دوره‌ای از تاریخ معماری ایران بود که نظام خانقاهی به‌صورت یک رکن مهم به لحاظ تاریخ فرهنگی و معماری نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کرد که بررسی آن لازم به نظر می‌رسد. خانقاه را می‌بایست فارغ از محلی برای سلوک و عبادت دید چراکه اغلب خانقاه‌ها مشحون از ارتباط با جامعه و در پیوند با تأسیسات مهم شهری نظیر مسجد، مدرسه، کاروانسرا و حمام بوده است. در سال‌های اخیر پژوهش‌های اندکی در مورد ابعاد شکل‌گیری و معماری خانقاه انجام شده که عدم پژوهش کافی در این زمینه سؤالاتی را در مورد معماری آن ایجاد می‌کند. هدف از این پژوهش واکاوی بستر فرهنگی تصوف و شناسایی الگوهای نظام خانقاهی این دوره بوده که در حوزه حکمرانی تیموریان در آسیای میانه، آسیای جنوبی و بخشی از ایران کنونی ساخته شده بود. این مطالعه به‌صورت توصیفی-تحلیلی و با مطالعه منابع کتابخانه‌ای نظیر کتب، مقالات، اسناد تاریخی و معماری، ابعاد فرهنگی خانقاه را شناسایی و با استفاده از تحلیل مدارک فنی معماری و پژوهشی سعی در شناخت فضاهای خانقاهی و ترسیم الگوی خانقاه در دوره تیموری را دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد خانقاه‌های دوره تیموری از یک هسته مرکزی مانند گنبد خانه اصلی یا حیاط تشکیل شده که سایر فضاها حول آن شکل گرفته‌اند که در نتیجه آن، خانقاه‌های این دوره با دو الگوی تک بنا و مجموعه-ارسن ساخته می‌شده‌اند.

کلیدواژه: معماری، خانقاه، تاریخ فرهنگی، الگوی فضایی، تیموریان

تدوین اصول رفتاری صوفیان در سده‌های ابتدایی اسلام سبب تشکیل آداب خانقاهی و نهاد خانقاه شد (کیانی، ۱۳۶۹: ۴۸۷). خانقاه‌های اولیه همان حلقه‌هایی بوده که در خانه شیخ شکل می‌گرفت؛ با تکوین آداب خانقاهی، خانقاه نیز همانند مسجد دارای یک نظام معماری شده و از سلسله‌مراتب پیروی می‌کرد (رحمتی، ۱۳۷۸؛ حسینی، ۱۳۸۸). بسیاری خانقاه را جزو ابنیه خیر تلقی می‌کنند چراکه اغلب امکانات رفاهی لازم را جهت سکونت صوفیان، مسافران و مردم آن منطقه مهیا می‌کرد نظیر حجره برای اقامت و استراحت، مطبخ برای آماده‌سازی وعده‌های روزانه، مسجد، مدرسه، حمام، کاروانسرا و آب‌انبار گردآمدن این خدمات در کنار هم برای صوفی که شغل خود را عبادت و سلوک می‌دید، برای مسافری که قصد اقامت در راه را داشت و برای مردم فقیر مایه خیر بود (آملی، ۱۳۸۱: ۲۵۷؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۲۱۵ و ۳۲۵). نظام‌های خانقاهی در طول حیات خود به سبب موقعیت، طریقت و در دوره حکومت‌های مختلف به شیوه متنوعی از منظر معماری شکل می‌یافت که پژوهش و شناخت ابعاد مختلف آن زوایای پنهان این ابنیه را مشخص می‌کند. دوره تیموری مانند ادوار پیش از خود سرشار از توجه به شیوخ و اهل تصوف می‌باشد. بخشی از موفقیت تیمور در تشکیل امپراطوری خود به سبب توجه به صوفیان و مشایخی است که در قرن هشتم سرزمین‌های اسلامی را فراگرفته بودند. یکی از سیاست‌های تیمور در جلب توجه اهل تصوف ملاقات با مشایخ صوفیه و هم‌صحبتی با آنان بوده است (میرجعفری، ۱۳۸۵: ۶۸-۶۰). در بین راه‌ها و شهرها نیز لنگر [نوعی از خانقاه] به دستور تیمور ساخته شد تا صوفیان و فقرا را اطعام کند (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۱۲). این شیوه در تمام دوره تیموری با ارتباط هریک از حکام این سلسله با چند تن از مشایخ صوفیه ادامه پیدا کرد؛ آنان قدرت خویش را در ارادت به صوفیان می‌دیدند (فراهانی‌منفرد، ۱۳۸۲: ۷۹) و همواره در پی جلب نظر آنان تلاش می‌کردند با این تفاسیر واضح است که خانقاه سازی تا چه اندازه مورد توجه بوده و حاکمان و وزرای تیموری خود از پیشگامان ساخت خانقاه بودند (میرجعفری، ۱۳۸۵: ۱۷۷). در سال‌های اخیر پژوهش‌های اندکی برای شناسایی معماری این نهاد مهم انجام شده است که بخش عمده‌ای از این نهاد ارزشمند مهجور و مغفول مانده به طوری که این ضرورت را ایجاد کرده تا با بررسی بسترهای فرهنگی این دوره، ابعاد مختلف خانقاه را به لحاظ تاریخی و معماری مشخص کرده و با شناخت فضاهای خانقاهی در پی ترسیم الگو شکل‌گیری این ابنیه در دوره تیموری باشیم. پس هدف نهایی این مقاله آن است که با در نظر گرفتن بستر فرهنگی ایجاد خانقاه و مطالعه خانقاه‌های ساخته شده دست‌بندی از این ابنیه را ارائه کرد تا با شناخت ریز فضاها و دست‌بندی‌ها ما را به الگوی شکل‌گیری خانقاه نزدیک‌تر کند. با مطالعه بستر فرهنگی خانقاه‌های تیموری به نظر می‌رسد تنها یک عامل در ایجاد خانقاه‌های دوره تیموری مؤثر نیست و مجموعه‌ای از عوامل سبب شده تا خانقاه‌ها به وجود آمده است؛ بررسی اولیه نیز از فضاهای خانقاهی نشان می‌دهد برخی از این ابنیه دارای وسعت و امکانات بیشتری نسبت به خانقاه‌های شناسایی شده دیگر می‌باشد که دارای یک تک‌گنبد است.

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای منطبق بر کتب، مقالات، رساله و اسنادی همچون متون تاریخی و وقف نامه انجام شده که با مطالعات صورت گرفته به بررسی و شناسایی فضاهای خانقاهی در ادوار مختلف و بستر فرهنگی شکل‌گیری این نهاد به صورت تحلیلی در دوره تیموری مبادرت شده است سپس به وسیله مدارک فنی معماری و مبنای نظری به تحلیل و مقایسه بناهای مختلف در دودسته بناهای موجود که شامل ۱۳ بنای شناسایی شده در دوره معاصر، همراه با مدارک فنی است و ۱۱ بنایی که بخشی از آن موجود و یا به صورت کامل تخریب شده می‌شوند. در بخش یافته‌ها به شرح الگوهای شناسایی شده در قالب توصیف پرداخته و در پایان با نمایش الگو گرافیکی فضاهای خانقاهی در دوره تیموری ذیل پنج دسته تقسیم‌بندی شده است.

پرسش‌های پژوهش

۱. زمینه‌های فرهنگی تحول در الگوی فضای معماری خانقاه در دوره تیموری چیست؟
۲. الگوی فضایی استفاده‌شده در معماری خانقاه تیموری چگونه است؟

۲ - پیشینه تحقیق

اهل تصوف یکی از گروه‌های با نفوذ در ادوار مختلف بوده که پژوهش‌های تاریخی متعددی در مورد نحوه شکل‌گیری، اعتقادات مذهبی، آداب و رسوم، مشایخ تصوف و فرقه‌های مختلف آن انجام شده است. همه آنچه در مورد صوفیه و اقدامات آنان گذشته

در قالب یک کالبد معماری صورت گرفته نشان می‌دهد که فعالیت‌های آنان از مجلس‌گویی، زاویه نشینی، سماع و پذیرایی از افراد در یک فضای معماری انجام می‌شد. در پژوهش‌های انجام شده در مورد اهل تصوف بیشتر مسائل از منظر تاریخی مطالعه شده و کمتر پژوهشی به صورت مستقل مسئله معماری بناهای منسوب به صوفیان پرداخته است. از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده که حاوی اطلاعات معماری نیز هست کتاب تاریخ خانقاه در ایران نوشته محسن کیانی (۱۳۶۹)، این نوشتار به شناخت واژه‌ها در این حوزه، مطالعه فرقه‌ها و خانقاه‌های گوناگون، آداب و رسوم خانقاهیان و نحوه اداره این ابنیه را بررسی کرده است. کتاب‌های دیگری نیز در کنار شرح بناهایی همچون آرامگاه، مدرسه و کاروانسرا اشاراتی نیز به خانقاه داشته‌اند نظیر کتاب معماری تیموری در ایران و توران نوشته دونالد ویلبر و لیزا گلمبک (۱۳۷۴) که با بررسی شیوه معماری دوره تیموری، بناهای مربوط به این دوره را از منظر تاریخی، ویژگی‌های معماری همانند کالبد، تاق‌ها و تزئینات مطالعه انجام داده و در پایان مدارک معماری آن را ضمیمه کرده است. کتاب مجموعه هنر در تمدن اسلامی: معماری ۲، گردآورنده مهرداد قیومی بیدهندی (۱۳۹۷) با پژوهش در مورد دوره‌های مختلف در کنار بناهای دیگر به گردآوری اطلاعات در مورد تاریخ و معماری خانقاه پرداخته است. کتاب‌های دیگر نیز اغلب به صورت موردی بناهای خانقاهی را بررسی کرده‌اند همانند کتاب گنجنامه (امام‌زاده‌ها و مقابر) از کامبیز حاجی قاسمی (۱۳۸۹) که ذیل کلمه آرامگاه، چند بنای خانقاهی را همراه با پیشینه تاریخی، معماری و مدارک فنی آنان را بررسی کرده است. مثال‌های مشابه دیگر همچون کتاب معماری اسلامی: شکل، کارکرد و معنی از هیلن براند (۱۳۸۰)، هنر و معماری اسلامی ۲ از شیلا بلر و جانانان بلوم (۱۳۸۱)، معماری تیموری در خراسان نوشته برنارد اوکین (۱۳۸۶) و معماری اسلامی از گرابر و همکاران (۱۳۸۹) کتاب‌هایی هستند که اشاراتی به این حوزه داشته‌اند. نمونه‌ای از پژوهش در حوزه پایان‌نامه و مقالات نیز می‌توان به پایان‌نامه جستجویی برای شناخت معماری خانقاه در خراسان سده پنجم نوشته سینا سلطانی (۱۳۹۱) که با مطالعه واژه‌های مرتبط با خانقاه به بررسی فعالیت‌ها، آداب و رسوم و معماری ابنیه خانقاهی در سده پنجم هجری با تکیه بر کتاب اسرارالتوحید، فضاهای مرتبط با خانقاه‌های این دوره را پژوهش کرده است. مقاله‌ای نیز با عنوان بررسی روند شکل‌گیری مجموعه‌های آرامگاهی در معماری ایران دوران اسلامی نوشته هاشم حسینی (۱۳۸۸)، با طرح آرامگاه به‌عنوان هسته تشکیل‌دهنده ابنیه دیگر همانند خانقاه، مسجد و کاروانسرا و... به بررسی خانقاه ابوسعید ابوالخیر که به‌عنوان منشاء ابداع این نوع از ابنیه بوده، پرداخته است. مقاله دیگری با نام عناصر نمادین در معماری خانقاه‌های ایران از سده هفتم هجری تاکنون از حامد رضا کریمی ملایر، ناصر گذشته (۱۳۸۶) که در این مقاله بناهای خانقاهی براساس خطوط، مقرنس، فضاسازی، رنگ پردازی، گچ‌بری، کتیبه، اسلیمی، نقش‌های هندسی، نقاشی دسته‌بندی شده و عناصر به‌کاررفته در هر دوره بیان شده است. تفاوت پژوهش انجام‌شده با سایر مطالعات در این است که پژوهش حاضر به زمینه‌های شکل‌گیری و رونق خانقاه هم‌سو با بسترهای فرهنگی دوره تیموریان و از منظر معماری به‌طور توصیفی-شکلی فضاهای خانقاهی این دوره را منطبق بر الگوی معماری مطالعه کرده که در تحقیق‌های مرتبط با خانقاه این نوع از مقایسه با دیدگاه تاریخی-معماری صورت نگرفته است.

۳ - مبانی نظری

۳ - ۱ - شکل‌گیری معماری خانقاه

قدیمی‌ترین نظام خانقاهی ایجادشده در ایران را که دارای طریقت و تشکیلات خانقاهی بوده در شرق ایران پدیدار شده که تحولات اولیه آن ارتباط نزدیکی با کرامیه داشته است (هیلن براند، ۱۳۸۰: ۲۲۰). محمد بن کرام (متوفی ۲۵۵ ه.ق) ابتدا فعالیت خود را در هرات با تأسیس خانه‌گاه [خانقاه] آغاز کرد مراکز آموزشی مسلمین ابتدا درون مساجد بود که افراد به‌صورت حلقه‌هایی گرد هم جمع می‌شدند و به تدریج محل‌های خاصی جدا از مسجد برای امر آموزش ساخته شد؛ به نظر می‌رسد کرامیان در این امر پیش‌تاز بودند و بعد از فوت محمد بن کرام پیروانش بر سر مزار او خانقاهی بنا کردند (رحمتی، ۱۳۷۸: ۱۲۸). اغلب نویسندگان ابوسعید را نخستین کسی می‌دانند که آداب و نظام خانقاهی را به صورت گسترده سازماندهی کرده است (دامادی، ۱۳۷۴: ۲۹). همچنان که آمده «ابوسعید ابوالخیر، اوست که طریقت تصوف نهاد و خانقاه بنیاد کرد» (قزوینی، ۱۳۷۳: ۴۲۵). نظام خانقاهی ابوسعید (متوفی ۴۴۰ ه.ق) نیاز ساکنین به بیرون را کم کرده بود به صورتی که این خانقاه متشکل از حجره‌ها، وضوخانه و آشپزخانه در زمان حیات او؛ و مسجد، کاروانسرا، بازار و حمام پس از فوت وی در خانقاه بنا شد (حسینی، ۱۳۸۸: ۲۰). هم‌زمان با ابوسعید، در ناحیه فارس ابواسحاق ابراهیم بن شهریار (متوفی ۴۲۶ ه.ق) فعالیت‌های خود را در کازرون شروع کرد او با بنا نهادن مسجدی در صحرای نورد

در سال ۳۷۱ ه.ق و گسترش آن در سال‌های بعد از آن باعث شد تا مجموعه‌های متعددی در اطراف مسجد و رباط شکل گیرد و مردم گرد آن جمع شوند (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۲۹-۲۷). مجموعه اصلی شیخ متشکل از مسجد، رباط، سقایه، تحت‌السراج و کتابخانه بود (لاله و شیخ الحکامی، ۱۳۸۷: ۱۱۵-۱۱۴).

از عوامل مهم گسترش تصوف در دوره سلجوقی، توجه طبقه حاکم به تصوف می‌باشد که گفتار افضل‌الدین ابوحامد کرمانی گویای این مطلب است «مدارس و رباطات و بقاع و مساجد و منارات که در بلاد مشرق و مغرب است، همه از ملوک و وزرا آل سلجوقی است» (ابوحامد کرمانی، ۱۳۲۶: ۳۲۲). خواجه نظام‌الملک وزیر معروف سلاجقه هم در ترویج صوفیه اهتمام و علاقه‌ای صادقانه نشان داد تا حدی که موجب رواج تصوف گشت (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۱۵۹). در دوره‌های مختلف به میزان توجهی که حاکمان به خانقاه‌ها داشتند کیفیت، وسعت و امکانات ابنیه نیز متفاوت بوده است؛ شواهد زیادی وجود دارد که حاکمانی از جمله غازان خان، اولجایتو و وزیرایی همچون خواجه رشیدالدین فضل‌الله بر خانقاه سازی و حمایت از تصوف همت گمارده بودند. در این زمان غازان خان خانقاه‌هایی در همدان و بغداد احداث کرد (مرتضوی، ۱۳۴۱: ۱۲۱). علاوه بر خانقاه سازی در این دوره، در کنار بقعه عارفان پیشین و یا عارفانی که در آن زمان می‌زیسته‌اند مجموعه‌های مفصلی احداث شد نظیر مجموعه عبدالصمد اصفهانی، پیربکران و شیخ جام (بلر و بلوم، ۱۳۸۱: ۲۱-۲۰). در زمان مظفریان نیز مجموعه‌های خیر، نظیر مسجد، خانقاه، مقبره، مدرسه، دارالشفاء و دارالسیاده برپا شد؛ علاوه بر آن در این دوره برخی بزرگان همانند سید نظام‌الدین، سید رکن‌الدین و سید شمس‌الدین به ساختن مدرسه و خانقاه اهتمام داشتند (نیک‌زاد و دانایی‌فرد، ۱۳۹۷: ۳۹). به طور کلی شکل‌گیری خانقاه‌ها بر چند عامل مانند موقعیت جغرافیایی، طریقت و دوره تاریخی قابل دسته بندی بوده و می‌تواند معیاری برای شروع تحقیقات در این زمینه باشد.

۲-۳- فضاهای معماری خانقاه

شکل‌گیری خانقاه به عواملی همچون طریقت، جغرافیا و دوره تاریخی وابسته بوده که بررسی هر کدام از مؤلفه‌های گفته شده در تنوع فضاها در هر خانقاه مؤثر است. با بررسی ادوار تاریخی، نمونه‌ای از تمایل ایلخانیان به خانقاه سازی به نقل از محمد شفیع (۱۳۶۴) در مکاتبات رشیدی آمده که ایلخانیان در مجموعه‌های خود یعنی ابواب‌البر نظیر شب‌غازان واقع در تبریز شامل گنبد، مسجد جامع، مدارس، خانقاه، دارالسیاده، دارالشفاء، بیت‌الکتب، بیت‌القانون، حوض‌خانه و گرمابه بوده (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۲۰۹) و همزمان در دوره مظفری خانقاه‌های مهمی نظیر مجموعه رکنیه (وقت‌الساعت) و مجموعه شمسیه (ابواب‌الخیر) ساخته شده است. مقبره سید رکن‌الدین در کنار مسجد جامع یزد در سال ۷۲۵ ه.ق احداث شد این مجموعه شامل مدرسه، مسجد، خانقاه، کتابخانه، رصدخانه، دارالشفاء، بیت‌الادویه، حمام، آب انبار و بناهای جانبی دیگر بود (نیک‌زاد و دانایی‌فرد، ۱۳۹۷: ۳۹). در دوره تیموری نیز روند خانقاه سازی ادامه یافت که شاخص‌ترین آن متعلق به خواجه احمد یسوی در یسی (واقع در قزاقستان امروزی) بوده است؛ تیمور در سال ۷۹۶ ه.ق مقبره‌ای عظیم بر مدفن این شیخ صوفی بنا کرد که شامل ایوان، تالار مرکزی، مقبره، مسجد، کتابخانه، آش‌خانه، اتاق دارای چاه و چله‌خانه می‌باشد. فضاهای جانبی بنا به اتاق‌های خدماتی فرعی و حجره‌های اقامت، از جمله مسجد، آش‌خانه، حمام، کتابخانه و چله‌خانه اختصاص دارد (بلر و بلوم، ۱۳۹۷: ۵۹-۵۸).

بعد از گذر از بررسی دوره‌های تاریخی با در نظر گرفتن حوزه جغرافیایی ساخت خانقاه در مناطق مختلف بررسی می‌شود. دوره بعد از تیموری نیز خانقاه سازی با همان شیوه در منطقه آسیای میانه در دوران حکمرانی شییبانی‌ها ادامه یافت. به عنوان نمونه خانقاهی که در کنار قبر خواجه بهاء‌الدین نقشبندی قرار دارد؛ این بنا یک ساختمان مرکزی ساده با چهار ورودی و یک تالار گنبد دار مربع شکل دارد که اتاق‌های متعددی به اشکال مختلف در دو طبقه، در یک مجموعه و به صورتی زیبا قرار گرفته‌اند. از طریق پیشخوان‌های ستون‌دار طاق قوسی به سمت بیرون باز می‌شود و گوشه‌های مربع شکل ساختمان را اشغال می‌کند که یک باغ، حوض آب و کاروانسرا در مجاورت آن نیز قرار گرفته است. خانقاه‌های آسیای میانه فشرده، مکعبی، دارای گنبد مرکزی و بدون محراب بوده که در سال‌های بعدی به آن‌ها محراب اضافه کرده‌اند (گرابر و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۹۵-۳۹۴).

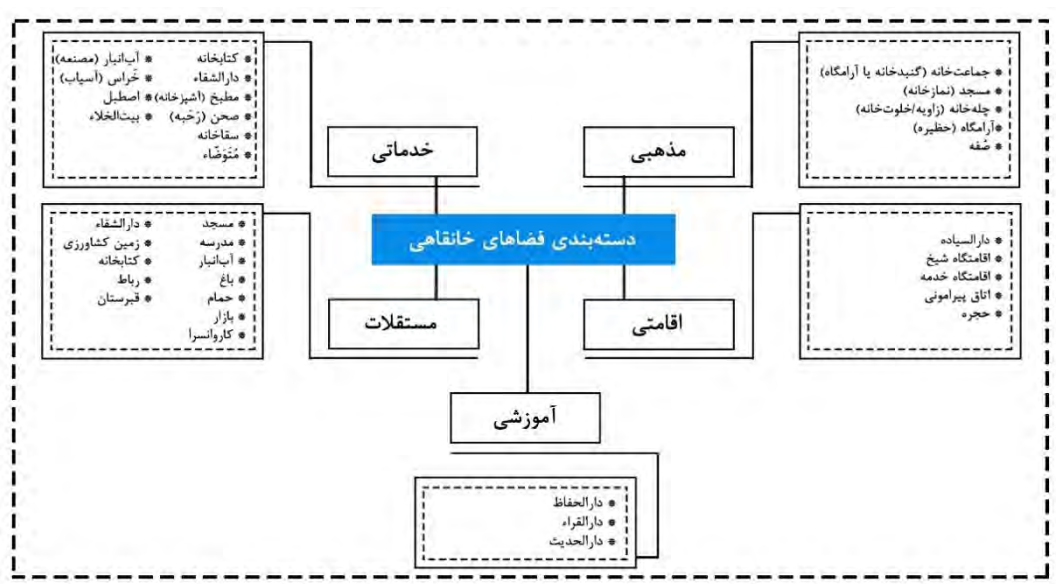
در عراق نیز بناهای خانقاهی که تحت عنوان رباط آمده و کارکرد خانقاهی دارند به نقل از دانشنامه جهان اسلام، در ذیل کلمه خانقاه نوشته شده که از نظر کارکرد و معماری در ادوار مختلف با کارکردی مشابه خان و کاروانسرا ساخته می‌شدند. این رباط‌ها کارکردهای نظامی، تجاری، مسکونی و اقامتی برای زائران داشته که بناهای درون شهر کارکرد آموزشی نیز دارا بود و در بخشی از حجره‌ها کار آموزش قرآن و استنساخ نیز انجام می‌شد. این نوع از کاروانسراها عمدتاً در دو طبقه بنا شده و صحن آن رو باز

می‌باشد به جز خان مرجان که صحن آن مسقف بود (دراجی، ۲۰۰۱: ۱۹۵-۱۹۱). رباط‌هایی که تا حدود قرن هفتم ساخته شده، دارای معماری خاص و شامل مسجد، خلوات یا حجره‌ها، آشپزخانه، حمام و دارالضیافه بودند (دراجی، ۲۰۰۱: ۲۰۷). بوسعده داد مرید شیخ ابوسعید ابوالخیر بعد از وفات او نیز خانقاهی در بغداد بنا می‌کند که از صفه، جماعت‌خانه، مَتَوَصَّأ [وضوخانه]، مَطْبِخ [آشپزخانه]، مسجد، حجره، حمام، خَراس [آسیاب]، کاروانسرا و بازار متشکل بود (مهینی، ۱۳۸۲: ۳۵۸).

خانقاه‌های کرامیان در خراسان به صورتی بود که به عنوان مرکز تجمع سالکان و صوفیان پیرامون رهبر خود ساخته می‌شد و به صورتی نبود که مریدان در آن محل به خلوت‌گزینی انفرادی مشغول شوند. اسپنر، این مکان را بدین شکل توصیف کرده بود: یک ساختمان که چند اتاق در پیرامون داشت؛ مرشد و مریدان در آنجا جمع می‌شدند و به نماز، نیایش، مجلس‌گویی، سماع و مباحث عرفانی می‌پرداختند (کیانی، ۱۳۶۹: ۱۸۵). فضاهایی که در خانقاه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ می‌توانست به سبب فعالیت‌هایی که هر طریقت داشته متفاوت ساخته شده و برخی را نیز شامل نشود و یا یک فضا دربردارنده چند فعالیت و کاربری باشد. این فضاها شامل محل و مرکزی برای ورود مسافران، حجره‌هایی برای مقیمان، سالن‌هایی برای اعمال گروهی مانند سماع، نماز و نیایش، محل و مجلسی برای وعظ، محل ویژه‌ای برای مرشد و متصدی خانقاه، محلی برای تغذیه، مرکزی برای فعالیت عملی همچون تدریس، کتاب و کتابخانه، ساختمانی برای آشپزخانه و آذوقه، وجود حمامی برای مسافران و مقیمان خانقاه، اصطبل، محلی برای پرستاری از بیماران، زمین‌ها و باغ‌هایی در پیرامون برای کشاورزی بوده است (کیانی، ۱۳۶۹: ۱۲۷).

خانقاه نیز شکلی مانند مدرسه علوم دینی دارد یعنی مانند مدرسه‌ها، دارای حیاط چهارگوش مربع یا مستطیل، حوضی در وسط حیاط و چهار باغچه باصفا در چهارگوشه حیاط می‌باشد. در هر خانقاه حجره‌ای به نام دارالضیافه وجود داشته که در اختیار مسافران قرار می‌گرفت و حجره‌ای دیگر نیز به نام پیر اختصاص داشت. در پشت ایوان جنوبی خانقاه‌ها، گنبدخانه یا شبستان نیز قرار داشت و برای مراسم دعا و نماز به صورت جماعت مورد استفاده قرار می‌گرفت (مشتاق، ۱۳۸۷: ۲۱۴). خانقاه در ساده‌ترین حالت خود خانه‌ای بود که در آن گروهی از شاگردان (مریدان) و مبتدیان دور استاد (شیخ) جمع می‌شدند که وجود الحاقات بیشتری نظیر مسجد، مطبخ یا حمام اختیاری بوده است؛ از این لحاظ خانقاه با مدرسه تفاوت اندکی داشته است (هیلن براند، ۱۳۸۰: ۲۲۰).

فضا مشترکی که در تمامی خانقاه‌ها قابل رویت است یک فضای مرکزی بوده که بسته به وسعت یا امکانات خانقاه می‌توانسته شامل کاربری‌های مختلفی همچون نمازخانه، مجلس وعظ، محل تدریس، محل غذا خوردن، سماع و یا مقبره شیخ مورد استفاده قرار گیرد در اصطلاح به این قسمت جماعت‌خانه یا گنبدخانه اطلاق می‌شد. این نکته نیز قابل بحث است که خانقاه‌ها به اشکال متنوعی جانمایی می‌شدند به طور مثال در کنار جماعت‌خانه، حجره، شبستان، چله‌خانه و ایوان‌ها شکل می‌گرفته و حجره‌ها در پیرامون گنبدخانه و یا برخی از خانقاه‌ها که دارای صحن بوده پدیدار می‌شد. صحن در خانقاه فضایی بوده که مرتبط با رواق‌ها، ایوان و هشتی می‌باشد. جماعت‌خانه نیز معمولاً در پشت ایوان اصلی صحن قرار داشته و در کنار این فضاهای اصلی مسجد، مدرسه، حمام، دارالشفایا... می‌توانسته به صورت جداگانه شکل گیرد. مطالعه در مورد فضاهای خانقاهی چند فضای کلی را نشان می‌دهد به صورتی که ریز فضاهای خانقاه‌ها ذیل پنج دسته مذهبی، خدماتی، آموزشی، اقامتی و مستقلات قرار می‌گیرد (تصویر ۱) این پنج دسته در هر خانقاه متفاوت بوده و به یک شکل جانمایی نمی‌شود در عین حال یک خانقاه می‌تواند بخش کوچکی از یک مجموعه باشد که با فضاهای نام برده شده در ارتباط است. کاربریهایی که بیشتر با سلوک صوفیان سر و کار داشته چه به لحاظ رفتاری، معنوی و یا عبادی مرتبط بود در دسته مذهبی و فضاهایی که تسهیل کننده اقامت در خانقاه و برطرف کننده نیاز آنان می‌باشد در دسته‌هایی همچون خدماتی، آموزشی، اقامتی و مستقلات قرار می‌گیرند. در این تقسیم‌بندی، مستقلات فضاهایی را شامل شده که با خانقاه فضای مشترک ندارد و از بخش اصلی جدا می‌باشد اما در فاصله‌ای نزدیک از بنا قرار داشته و با آن در تعامل می‌باشد. با مطالعه وقف‌نامه‌هایی از جمله وقف‌نامه ربع‌رشیدی، امیرچخماق، چهار منار یزد و اخلاصیه روشن شده که بیشتر بناهایی که تحت عنوان مستقلات دسته‌بندی می‌شود، بناهایی وقف بر خانقاه‌اند و درآمد حاصله از آن به امور خانقاهیان تعلق دارد که نمونه آن حمام و کاروانسرای که بر مجموعه امیر چخماق یزد وقف بود (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵: ۸۷۶). نکته‌ای لازم به ذکر می‌باشد که برخی از فضاهای آورده شده ذیل هر دسته می‌تواند با دسته دیگر همپوشانی داشته باشد که در این پژوهش، فضاها ذیل دسته‌ای که بیشترین نقش را در آن داشته تقسیم‌بندی شده است. به عنوان مثال ممکن است در کتابخانه یا دارالشفایا کار آموزش هم انجام می‌شده اما این کاربری‌ها بیشتر جنبه ارائه کننده خدمات برای مراجعین داشته است.



تصویر ۱- جمع بندی مجتمع‌های خانقاهی (مأخذ: نگارندگان)

۳-۳- زمینه‌های تشکیل و اهمیت خانقاه در دوره تیموری

در دوره تیموری اقتدار مذهبی در رقابت میان فرمانروا، علما و شیوخ صوفی بود البته سادات نیز در این دوره از جایگاه خاصی برخوردار بودند (فوربزمنز، ۱۳۹۰: ۲۸۸-۲۸۷). احترام به مشایخ، زاهدان، عابدان، عالمان و سادات در دوره تیموری باب شده بود چنانچه سراسر تاریخ تیموریان به ویژه دوره شاهرخ، سرشار از ابراز اعتقاد شاهان و شاهزادگان به طبقات مذکور می‌باشد (صفا، ۱۳۶۴: ۴۷). تیمور جهت بزرگداشت صوفیان به زیارت مزار آنان می‌رفت؛ او در راه برگشت به دارالسلطنه سمرقند به زیارت مزار مشایخی همچون شیخ شمس‌الدین کلار و مشایخ دیگر رفته بود (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۸۰۷). شاهرخ نیز همانند تیمور سیاست احترام به صوفیان را در پیش گرفته بود؛ یکی از اعمالی که او انجام می‌داد زیارت مزار بزرگان صوفیه می‌باشد. او در روزهای پنجشنبه اول هر ماه برای زیارت مزار خواجه عبدالله انصاری برنامه خاصی داشت. وی در بازدید خود در سال ۸۴۳ ه.ق مزار شیخ ابوسعید ابن ابوالخیر زیارت کرد و دستور ساخت موقوفاتی را بر آن داد (صفا، ۱۳۶۴: ۴۹). اینکه تصوف در دوره تیموری چگونه باعث شد تا خانقاه‌ها رشد و گسترش یابند لازم است در مورد عوامل شکل‌گیری یا بستر فرهنگی خانقاه که شامل عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی شده بحث شود.

کشورگشایی‌های تیمور باعث ویرانی بسیاری از آبادی‌ها و شهرهای مختلف شد؛ به دنبال همین رویدادها نتیجه اجتماعی آن باعث شده بود تا سرعت سقوط فرهنگ و تمدن ایرانی بیشتر شود (میرجعفری، ۱۳۸۵: ۶۹-۶۸) و سختی‌های روزگار و ناپایداری احوال جهان طبعاً بر توجه مردم به مقاصد صوفیان می‌افزود. بدین معنی مردم بیش از پیش به معنویات و ترک علائق دنیوی تشویق شده و با خانقاهیان همراه می‌ساخت (صفا، ۱۳۶۸: ۶۸-۶۷). این موضوع باعث شده تا صوفیان پناهی در برابر هجمه‌های وارده از طرف حکام به مردم باشند. صوفیانی مانند جامی که از نزدیکی به سلطان درصدد حل مشکلات مردم و تظلم‌خواهی آنان از سلطان بوده و با نوشتن نامه سعی در حل بخشی از مشکلات مردم داشتند (جامی، ۱۳۷۸: ۹۷). البته امثال جامی علاوه داشتن جایگاه اجتماعی نزد مردم، از طرف سلطان نیز مورد اعتماد بودند؛ سلطان حسین بایقرا هرگاه که به مناسبتی تختگاه هرات را ترک می‌گفت از جامی برای حفاظت و حراست اوضاع شهر، درخواست کمک می‌کرد (جامی، ۱۳۷۷: ۵۵). به جهت سیاسی نیز شیوخ متصوف، علما و سادات در نقض احکام حکومتی، کاستن مالیات‌ها، قدرت تصرف داشتند (صفا، ۱۳۶۴: ۵۰). آنان از نیروی مریدان برای اهداف سیاسی خود و احاطه بر امرا استفاده می‌کردند. خصوصاً اینکه در دوره بایقرا وزیری چون امیر علیشیر نوایی، حامی صوفیان در دستگاه حاکمه بود. منابع تاریخی و آثار علیشیر نوایی موید این نکته‌اند که او نه تنها از معتقدان بلکه از مریدان جامی به شمار می‌رفت (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۴۸۷). از طرفی اداره زیارتگاه‌ها یا خانقاه‌ها نیازمند توانایی اداری و سیاسی بود پس جای تعجب نیست که شیوخ صوفی با حاکمان خراسان مناسباتی دوستانه برقرار کنند (فوربزمنز، ۱۳۹۰: ۳۰۹-۳۰۰). از جهت دیگر عامل اقتصادی نیز در گسترش طریق صوفی نقش تعیین کننده‌ای داشتند؛ در دوره‌های گذشته یا طریقت‌های مختلف، اغلب صوفیان

شغل و پیشه خود را سلوک و عبادت می‌دانستند و با استفاده از نذورات مردم، وقف یا فتوح توسط فرمانروایان و ثروتمندان و یا حتی گدایی امورات خود را می‌گذراندند (کاشانی، ۱۳۹۴: ۱۵۸)؛ اما فعالیت‌های اقتصادی صوفیان در دوره تیموری متفاوت‌تر با دوره‌های پیشین است؛ با نفوذ طریقت نقشبندیه توجه به دو اصل ذکر خفی و خلوت در انجمن باعث تمایز این طریقت از دیگران شد (لاری، ۱۳۴۳: ۲). اصول نقشبندیه فصلی جدیدی را آغاز کرد که بستر لازم برای فعالیت‌های اقتصادی فراهم کرده و سبب شد افشار مختلفی به تصوف راه پیدا کنند و فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی را مانعی برای سلوک خود نبینند. این شیوه در میان کشاورزان، پیشه‌وران شهری، یعنی گروه‌های تولید کننده، بازرگانان و همچنین طبقه حاکم رایج شد (الهیاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳).

خواجه احرار نقشبندی برای بی‌نیازی از کمک حکام با انجام فعالیت‌های اقتصادی، زمین‌های بسیاری در نقاط مختلف بدست آورد علاوه بر آن او تجارت جاده‌ای را نیز در دست داشت. اسناد نشان می‌دهد او اموال زیادی همچون روستاها، حمام، مساجد، بازار، دکان و املاک فراوانی نیز بر او وقف، فروخته و یا بخشیده شده بود (فراهانی منفرد، ۱۳۸۲: ۲۶۴-۲۶۱). برخی از سلسله‌های متصوفه در کنار عبادت و سلوک خود از قدرت نظامی نیز برخوردار بوده و گروهی همیشه آماده جهاد بودند. همانطور که پیش می‌آمد صوفیان به سبب حمایت از حاکم در کنار او حاضر شوند (بوزجانی، ۱۳۴۵: ۱۴۴) در مقابل ممکن بود که علیه حاکم قیام کنند. خواجه اسحاق از سلسله نوربخشیه (بعدا به این نام مشهور شدند) در صدد قیام علیه شاهرخ تیموری بود و می‌خواست یک دولت صوفیه تشکیل دهد که به سر انجام نرسید (الشیبی، ۱۳۹۴: ۳۱۶-۳۱۵). حضور صوفیان در کسوت جنگجویانی در کنار حاکم و جهادهایی که تحت عنوان حق علیه باطل انجام می‌شد زمینه را برای اشاعه تفکر آنان در نقاط دیگر فراهم می‌کرد.

عواملی همچون نفوذ سیاسی صوفیان در منتفع کردن نیاز حاکمان تیموری برای تسلط بر مردم؛ جایگاه اجتماعی صوفیان به منظور آرام نگه داشتن آرام روحی مردم در ناپایداری‌های اجتماعی همچون حمله تیمور، کشتار مردم و ویرانی‌های فراوان؛ توانایی اقتصادی خانقاه‌ها با استفاده از ثروت حاکمان و نذورات مردم در آبادانی و خدمت‌رسانی به نیازمندان و برخورداری از قدرت نظامی برای شرکت در جهاد یا منافع حکام سبب شده بود تا خانقاه سازی با رضایت حاکمان و مردم گسترش یافته و علاوه بر ساخت خانقاه ابنیه فراوانی همچون مسجد، حمام، مدرسه و کاروانسرا بر خانقاه وقف شود که قدرت صوفیان را بیشتر می‌کرد.

تداوم زمینه‌های شکل‌گیری خانقاه در این دوره باعث شده بود به صورت عملی، از زمان روی کار آمدن تیموریان به خانقاه سازی توجه ویژه‌ای شود. در بین شهرها نیز لنگر (نوعی از خانقاه) به دستور تیمور ساخته شد تا درویشان و فقرا را اطعام کند (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۱۲). این رویکرد نیز در میان افرادی از جمله وزرا و جانشینان تیمور رایج بود؛ به دلیل گرایش وزیر علیشیر به تصوف او خانقاه‌های بسیاری را ساخت از جمله خانقاه اخلاصیه و شفائیه همچنین او به ساخت زیارتگاه و آرامگاه برای بزرگان صوفی نیز اهتمام داشت مانند مزار نورالدین عبدالرحمن جامی، خواجه ابوالولید (متوفی ۸۴۶ ه.ق)، شیخ یحیی، خانقاه و جماعت‌خانه بر سرمزار مولانا جلال‌الدین تبادکانی (متوفی ۸۹۱ ه.ق) و مزار شیخ فریدالدین عطار نیشابوری نیز بنا ساخت (میرخواند، ۱۳۷۸: ۱۹۷-۱۹۶). حکام بعد از تیمور نیز در شهرهای دیگر شیوه خانقاه سازی و وقف ابنیه بر خانقاه را ادامه دادند. شاهرخ و گوهرشاد به ساختن بناهای مذهبی مشهور بودند. شاهرخ در سال ۸۱۳ ه.ق پس از تصرف سمرقند و استقرار در مقام فرمانروای عالی، یک مجموعه مدرسه‌ای و خانقاهی را در هرات بنیان نهاد و چهار مدرس برای آن تعیین کرد (فوربزنز، ۱۳۹۰: ۲۹۸). وی در گازرگاه بر مزار خواجه عبدالله انصاری ایوان، صفه‌ها و جماعت‌خانه‌ها ساخت و املاک زیادی بر آن وقف کرد (صفا، ۱۳۶۴: ۴۹). امیر چخماق عامل شاهرخ در یزد نیز مسجد، خانقاه، آب انبار (مصنعه)، نهر و چاه آب سرد (سقاخانه) را با همکاری همسرش ستنی فاطمه ساخت که این املاک را برای مسلمانان سادات، علما، مساکین و فقرا ساخت تا سر پناهی برای آنان باشد. او برای تامین مخارج این ابنیه حمام و کاروانسرای که در نزدیکی آن واقع است را بر این ابنیه وقف کرد (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵: ۸۷۶).

۴-۳- معرفی خانقاه‌های تیموری

عصر تیموریان آخرین دوره‌ای از تاریخ ایران بوده که مشحون توجه به شیوخ و عرفای صوفیه می‌باشد پس با این توصیف اکثر آثار بجای مانده متعلق به تیموریان است. مناطق تحت حاکمیت تیموریان را می‌توان به خراسان، ایران مرکزی و غربی و ماوراءالنهر دسته بندی کرد. از مناطق مهم که در دوره تیموریان مرکز فرمانروایی این سلسله بود خراسان می‌باشد؛ حدود خراسان در آن زمان با چهار شهر نیشابور، مرو، هرات و بلخ مشخص می‌شد که دشت کویر مرز غربی استان [ایالت] به شمار می‌رفت. در آن زمان شهرهایی همچون مشهد (سناباد)، هرات، مناطق جام و خواف جزو مناطقی بوده که بیشتر مورد توجه بود (اوکین، ۱۳۸۶: ۱۸-۱۷).

محدوده ایران مرکزی و غربی که تحت حاکمیت تیموریان بود؛ خود شامل پنج بخش می‌شود که از نظر اداره کشور این پنج بخش به دو قلمرو قدرت یعنی ایالات شمال غربی (آذربایجان) و ایالات جنوبی (عراق عجم، یزد، کرمان و شیراز) تقسیم‌بندی می‌شود (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴: ۶۱). منطقه ماوراءالنهر به سرزمین میان دو رود بزرگ آسیای مرکزی می‌گفتند و شهرهای مهم این ناحیه سمرقند، بخارا، تاشکند و شهر سبز می‌باشد (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴: ۴۹-۵۴). اغلب بنای خانقاه‌های ساخته شده را هرات به خود اختصاص داده، هرات از شهرهای مورد توجه اهل تصوف و خاندان تیموری خصوصا شاهرخ و سلطان حسین بایقرا بوده که بناهایی همانند ملاکلان، خواجه صدرالدین ارمنی، خواجه وحیدالدین، مجموعه اخلاصیه، خانقاه جلال‌الدین پورانی و گوردرویشان در این شهر قرار دارد. شاید از باشکوه‌ترین بناهای ساخته شده در این حوزه به خانقاه خواجه احمد در یسی و گور امیر در سمرقند اختصاص دارد در ایران نیز بیشترین مجموعه خانقاه‌های گردآمده در یزد، همچون مجموعه شیخ علی بنیمان، امیر چخماق، امیرخضرشاه، پیرحسین دامغانی بنا شده است. بناهای تیموری مطالعه شده در این پژوهش به سه دسته بناهای پابرجا که اطلاعات فنی آن موجود است، بناهایی بخشی از آن تخریب شده و ابنیه‌ای که به صورت کامل تخریب شده‌اند تقسیم بندی می‌شود (جدول ۱).

جدول ۱- دسته‌بندی خانقاه‌های تیموری (ماخذ: نگارندگان)

دسته‌بندی خانقاه‌های تیموری	بناهای پابرجا	نام بنا
دسته‌بندی خانقاه‌های تیموری	بناهای پابرجا	خواجه احمد یسوی، عبدی درون، گور امیر، حکیم ترمذی، شیخ جمال‌الدین، ملاکلان، خواجه صدرالدین ارمنی، خواجه وحیدالدین، گور درویشان، قاسم انوار، شاه نعمت‌الله ولی، سیدحسن واقف و مجموعه شیخ علی بنیمان
	بخشی از بنا تخریب شده	مجموعه امیرخضرشاه، مجموعه امیرچخماق، مجموعه پیرحسین دامغانی، خانقاه ابومسعود و خانقاه ابوالقاسم نصرآبادی
	بناهای تخریب شده	جلال‌الدین پورانی، مجموعه خواجه نظام الملک خلوی، خانقاه ابوسعید، غوج دیوان، مجموعه فتح‌آباد و مجموعه اخلاصیه

جدول ۲- معرفی خانقاه‌های دوره تیموری که اطلاعات آنان‌ها در کتب و متون موجود است (ماخذ: براساس بلر و بلوم ۱۳۸۱ و ۱۳۹۷؛ ویلبر ۱۳۷۴؛

حاجی‌قاسمی ۱۳۸۹؛ اوکین ۱۳۸۶؛ ملازاده و محمدی ۱۳۸۱؛ عقابی ۱۳۷۸)

ابنیه	عکس	معرفی اجمالی
خواجه احمد یسوی		ویلبر (۱۳۷۴) در محور طولی بنا ایوان، جماعت‌خانه و آرامگاه قرار دارد که از جماعت‌خانه هشت دهلیز منشعب شده که به فضای مرکزی راه دارد. سال ۸۹۱ ه.ق دختر الغیبگ آرامگاهی هشت‌ضلعی در جنوب مجموعه ساخت. بلر و بلوم (۱۳۹۷) فضاهای جانبی به اتاق خدماتی و حجره‌های اقامت راه دارد از جمله مسجد، آش‌خانه، حمام، کتابخانه، [اتاق دارای چاه] و چله‌خانه اختصاص دارد.
عبدی درون		ویلبر (۱۳۷۴) در حدود سال ۸۳۲ ه.ق ساخته شده است؛ کاربری اتاق‌های دیگر مشخص نیست اما احتمالا اتاق‌های سمت چپ دارای چند اتاق متصل به آرامگاه بوده که آرامگاه خانوادگی تیموری می‌باشد. بنا شامل خانقاهی در جلو و آرامگاهی در پشت آن قرار داشته که مسجد واقع در سمت راست جدیدتر است؛ همچنین مدرسه موجود در سمت چپ، بخشی از آن تیموری می‌باشد و در اطراف این بنا نیز گورستان قرار گرفته است.
گور امیر		بلر و بلوم (۱۳۸۱) و ویلبر (۱۳۷۴) بخشی از مجموعه اصلی در سال ۸۰۳ ه.ق به اتمام رسیده که بعد از مرگ محمد سلطان نوه تیمور این مکان به آرامگاه خانوادگی تیموریان تبدیل شده است که در سال ۸۰۵ ه.ق تیمور فرمان ساخت آرامگاه را داد. آرامگاه در شمال، خانقاه در غرب و مدرسه در شرق قرار دارد. در سال ۸۲۸ ه.ق نیز الغیبگ دستور ساخت دهلیز شرقی آرامگاه را داد.
حکیم ترمذی		ویلبر (۱۳۷۴) در دوران حکومت خلیل‌السلطان مجموعه‌ای به خانقاه بزرگی افزوده شد. خانقاه شامل یک گنبدخانه و تاق نماهایی عمیق در طرفین بوده است. یک صندوق مرمر حجاری شده در همین دوره نیز برای وی ساخته‌اند.
شیخ جلال‌الدین	فاقد عکس	بنا در دوران سلطنت ابوالقاسم بابر ۸۵۱ ه.ق تا ۸۶۲ ه.ق توسط پسر متوفی ساخته شده که براساس ویلبر (۱۳۷۴) بنا در دو طبقه ساخته‌اند اما نیمه کاره رها شده است. این بنا شامل مسجد همراه با محراب، خانقاه، مدرسه و احتمالا حجره‌هایی در اطراف حیاط که نیمه کاره مانده است.
ملاکلان		اوکین (۱۳۸۶) ظاهرا این بنا توسط علیشیر در زمان سلطان حسین بایقرا ساخته شده و کتیبه‌ای با نام سلطان حسین بهادرخان دارد. ویلبر (۱۳۷۴) و اوکین (۱۳۸۶) این بنا یک خانقاه بوده که دارای حجره‌های نشیمن خصوصی و در دو طبقه ساخته شده است. کلیت بنا شامل گنبدخانه مرکزی و اتاق‌های پیرامون آن است که آرامگاه متوفی نزدیک به بنا در حظیره‌ای قرار دارد.

خواجه صدرالدین	فاقد عکس	ساخت بنا و مقبره شیخ براساس پژوهش ویلبر (۱۳۷۴) و اوکین (۱۳۸۶) اختلاف نظر وجود دارد بنا خانقاهی در دو طبقه ساخته شده که گنبدخانه اصلی در میان بنا بوده و اتاق‌هایی اطراف آن قرار دارد. آشکوب بالا دارای دهلیزهای باریکی است که فضای مرکزی را دور می‌زند و در سه گوشه آن سه اتاق پنج ضلعی قرار دارد.
خواجه وحیدالدین		ویلبر (۱۳۷۴) قبر متوفی در جلوی ایوان ورودی بنا واقع شده است. طرح بنا مشتمل بر یک گنبدخانه بوده که ایوان تمام قسمت ورودی آن را در بر گرفته و در اصل بنا فاقد محراب می‌باشد. بنا واقع در یک گورستان که به صورت خانقاهی برای پیران شیخ وحیدالدین بوده است. این بنا شباهت زیادی به بنای ملاکلان و صدرالدین ارمنی دارد از جهت اندازه، گنبدخانه مرکزی و در قبرستان بنا شده است.
گور درویشان	فاقد عکس	اوکین (۱۳۸۶) و ویلبر (۱۳۷۴) بنا در گورستانی واقع بر دامنه کوه بوده است. براساس شعری که بر کتیبه‌ای در بنا نوشته شده است تاریخ آن حدوداً قرن نهم می‌باشد. بنا در پشت سکویی کوچک که روی آن پنج قبر بوده، درون خانقاه درگاهی کوتاهی به فضا درونی راه دارد که فضای درونی آن به ضلع صخره اطراف آن منتهی می‌شود.
قاسم انوار		اوکین (۱۳۸۶) و ویلبر (۱۳۷۴) براساس کتاب تذکره/الشعر/ (۸۹۲ ه.ق) بنا از آثار علیشیر بوده که بعداً بر سر مقبره متوفی ساخته شده است. بنا شامل فضای مرکزی که آرامگاه در شاه‌نشین آن قرار گرفته و اتاق‌های در پیرامون آن می‌باشد. فرزند وی نیز در یکی از اتاق‌ها مدفون است. براساس نقشه اوکین (۱۳۸۶) بنا در دو آشکوب ساخته شده که غلام‌گردی طبقه بالا را دور می‌زند.
سید حسن واقف		ویلبر (۱۳۷۴) بنا مربع شکل دارای یک گنبدخانه مرکزی که چهار اتاق در پیرامون آن بود. این بنا در دو طبقه که طبقه دوم ویران و از تاق‌های آن خبری نیست. ملازاده و محمدی (۱۳۸۱) از بناهایی همچون میدان قدیمی (تکیه) و سردردارالسیاده و آب انبار نام برده شده است که به گفته نویسندگان، جدیدتر از بنای خانقاه در دوره تیموری است اما در دایره‌المعارف اسلامی تاریخ مسجد، آب‌انبار، سردر و خانقاه را در یک دوره دسته‌بندی کرده است. حاجی‌قاسمی (۱۳۸۹) درباره مقبره واقف آورده که بنا بر فراز تپه‌ای قرار گرفته که با دیوارهای بسیار قدیمی از گل و خشت‌های ضخیم و هفت برج بزرگ محصور است.
شاه نعمت‌الله ولی		حاجی‌قاسمی (۱۳۸۹) خانقاه را شاه نعمت‌الله ولی (متوفی ۸۳۴ ه.ق) احداث کرده اما در مورد مسجد مجاور آن اختلاف نظر وجود دارد. ویلبر (۱۳۷۴) معتقد است که خانقاه دچار تغییرات وسیع شده است به طوری که در گذشته بنا شامل کوشکی و در اطراف بنا حجرات مسکونی و آشپزخانه‌ای بوده است؛ بنا آرامگاهی داشته که در زیر آن سردابه‌ای قرار دارد. حاجی‌قاسمی (۱۳۸۹) در خیابان کشی دوره پهلوی حمام تاریخی و بخشی از صحن آن تخریب شده است.
شیخ علی بنیمان		ویلبر (۱۳۷۴) و عقایی (۱۳۷۸) بنا از سه بنای متصل به هم متشکل شده است که شامل مسجد، آرامگاه، حیاطی محاط در رواق دو طبقه که در این بنا چهار دوره تاریخی ۸۲۶ ه.ق، ۸۴۹ ه.ق، ۸۵۶ ه.ق و ۸۹۳ ه.ق وجود دارد. مقابل بنای ذکر شده مسجدی دیگر نیز است که تاریخ محراب آن ۸۴۱ ه.ق می‌باشد.

۱-۴-۳- معماری خانقاه در دوره تیموری

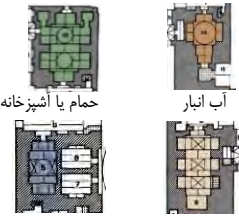
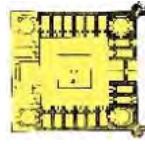

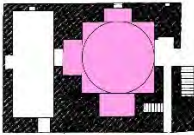
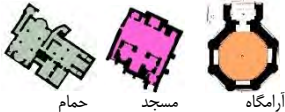
عوامل چهارگانه فرهنگی (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی) در به وجود آمدن زمینه‌های شکل‌گیری خانقاه تیموری، موثر و موجب رونق هرچه بیشتر این خانقاه‌ها در پهنه جغرافیایی دولت تیموری شد اما اکنون مطالعه معماری این ابنیه با چالش‌هایی مختلفی روبه‌رو بوده که در وهله اول، با روی کار آمدن دولت صفوی که خود از صوفیان بودند بساط آداب و رسوم خانقاهی برچیده شد و بسیاری از خانقاه‌ها تخریب و یا مجبور به تغییر کاربری شدند و در وهله دوم، گاهی با فوت شیخ خانقاه از رونق افتاده و به قبرستان تبدیل می‌شد که در نهایت خانقاه کم‌کم رو به تخریب می‌رفت. شرح این خانقاه‌ها را در کتاب‌های پژوهشی، متون، سفرنامه و وقف‌نامه‌های این دوران قابل پیگیری می‌باشد که البته این اطلاعات منحصر به شناخت کلی فضاها محدود می‌شود. بررسی خانقاه‌های معرفی شده در دوره تیموری نشان داد که این ابنیه از یک سلسله مراتب پیروی نکرده و به طرق مختلف جانمایی می‌شود. با این تفسیر این بناها را می‌توان به دو شکل کلی از نظر سلامت کالبدی تقسیم بندی کرد و به صورت ابنیه موجود (جدول ۳ و ۴) و ابنیه تخریب شده (جدول ۵) دسته بندی می‌شوند که هر کدام از این ابنیه مطابق تصویر ۱ از چند فضای کلی همچون مذهبی، خدماتی، آموزشی، اقامتی و مستقلات متشکل شده که هر کدام از خانقاه‌ها به تناسب امکانات، ذیل هر دسته دارای ریز فضایی می‌باشند.

جدول ۳- تحلیل خانقاه‌های بجای مانده از دوره تیموری (مأخذ: نگارندگان براساس بلر و بلوم ۱۳۸۱ و ۱۳۹۷؛ ویلیبر ۱۳۷۴؛ حاجی‌قاسمی ۱۳۸۹؛ اوکین ۱۳۸۶؛ ملازاده و محمدی ۱۳۸۱؛ عقابی ۱۳۷۸)

خانقاه‌های مورد مطالعه دوره تیموری								
نام خانقاه	ملاکلان	خواجه صدرالدین ارمنی	خواجه وحید الدین	گور درویشان	حکیم ترمذی	عبدی درون	آرامگاه قاسم انوار	
پلان								
موقعیت و دوره	هرات/ قرن ۹ (ه.ق)	هرات (ده منار)/ قرن ۹ (ه.ق)	هرات (بازنایاد)/ قرن ۹ (ه.ق)	هرات/ حدودا قرن ۹ (ه.ق)	ترمذ/ قرن ۹ (ه.ق)	سمرقند/ قرن ۹ (ه.ق)	تربت جام (نگر)/ قرن ۹ (ه.ق)	
مذهبی	جماعت خانه (گنبدخانه)							
	مسجد (بنارخانه)	فایده مسجد یا محراب می‌باشد.	فایده مسجد یا محراب می‌باشد.	فایده مسجد یا محراب می‌باشد.	فایده مسجد یا محراب می‌باشد.	فایده مسجد یا محراب می‌باشد.	فایده مسجد یا محراب می‌باشد.	
	چله خانه (زوبه) / چله خانه (تانه) / عورت خانه	دارای اتاق‌های متعددی در دو طبقه که هر کدام می‌توانند به عنوان چله‌خانه مورد استفاده قرار گیرند.	دارای اتاق‌های متعددی در دو طبقه که هر کدام می‌توانند به عنوان چله‌خانه مورد استفاده قرار گیرند.	دارای اتاق‌های متعددی در دو طبقه که هر کدام می‌توانند به عنوان چله‌خانه مورد استفاده قرار گیرند.	دارای اتاق‌های متعددی در دو طبقه که هر کدام می‌توانند به عنوان چله‌خانه مورد استفاده قرار گیرند.	دارای اتاق‌های متعددی در دو طبقه که هر کدام می‌توانند به عنوان چله‌خانه مورد استفاده قرار گیرند.	دارای اتاق‌های متعددی در دو طبقه که هر کدام می‌توانند به عنوان چله‌خانه مورد استفاده قرار گیرند.	دارای اتاق‌های متعددی در دو طبقه که هر کدام می‌توانند به عنوان چله‌خانه مورد استفاده قرار گیرند.
	آرامگاه (حظیره)	درون بنا آرامگاهی وجود ندارد.	درون بنا آرامگاهی وجود ندارد.	درون بنا آرامگاهی وجود ندارد.	درون بنا آرامگاهی وجود ندارد.	درون بنا آرامگاهی وجود ندارد.	درون بنا آرامگاهی وجود ندارد.	درون بنا آرامگاهی وجود ندارد.
	حجره (اتاق پیرامون)							
توسعات	اوکین (۱۳۸۶) محراب واقع در ضلع غربی به وسیله مسدود سازی به وجود آمده است. اوکین (۱۳۸۶) و ویلیبر (۱۳۷۴) بنا در یک قبرستان واقع شده است و مقبره متوفی نیز با فاصله‌ای از خانقاه قرار دارد.	اوکین (۱۳۸۶) حظیره‌ای در ضلع غربی قرار دارد و افزون بر آن در نزدیکی خانقاه قبر وزیر سیف‌الدین محمد ۸۸۹ ه.ق که به دستور سلطان حسین بایقرا اعدام شد وجود دارد. بنا در یک قبرستان واقع شده است.	بنا در یک قبرستان واقع شده است.	بنا در یک قبرستان بر روی دامنه تپه‌ای می‌باشد.	بنا در یک قبرستان بر روی دامنه تپه‌ای می‌باشد.	بنا در یک قبرستان بر روی دامنه تپه‌ای می‌باشد.	بنا در یک قبرستان بر روی دامنه تپه‌ای می‌باشد.	

جدول ۴- تحلیل خانقاه‌های بجای مانده از دوره تیموری (مأخذ: نگارندگان؛ براساس بلر و بلوم ۱۳۸۱ و ۱۳۹۷؛ ویلبر ۱۳۷۴؛ حاجی‌قاسمی ۱۳۸۹؛ اوکین ۱۳۸۶؛ ملازاده و محمدی ۱۳۸۱؛ عقابی ۱۳۷۸)

خانقاه‌های مورد مطالعه دوره تیموری						
نام خانقاه	خواجه احمد یسوی (یسی)	گور امیر	زیارتگاه شیخ جمال‌الدین	مجموعه شیخ علی بنیمان	شاه نعمت‌الله ولی	سید حسن واقف
پلان						
موقعیت و دوره	یسی / قرن ۸ و ۹ (مق)	سمرقند / قرن ۸ و ۹ (مق)	عشق‌آباد (آنو) / قرن ۹ (مق)	یزد (بیداخوید) / قرن ۹ (مق)	تفت / قرن ۹ (مق)	اصفهان (افوشته) / قرن ۹ (مق)
مذهبی	جامعیت خانه (کتیبه‌خانه)					
	مسجد (بمقام خانه)					مسجد دارد اما جز مجموعه اصلی نیست.
	چله خانه (زاویه / حوت)					محسوس نگشت.
	آرامگاه (حظیره)					در مجموعه اصلی آرامگاه نداشته است.
خدمتی	فناقد صحن					به گفته ویلبر (۱۳۷۴) صحن مربعی داشته است.
	اقامت	بنا فاقد حجره اختصاصی برای اقامت می‌باشد.	بنا فاقد حجره اقامتی جداگانه است اما حجره‌های مدرسه مقابل می‌توانسته نقش اقامتی را برای ساکنان ایفا کند.	احتمالا در قسمت مخروطی حجره‌هایی بوده است.	محسوس نگشت اما دارای تاقچه‌های عمیق در صحن می‌باشد.	مشخص نیست.

<p>ویلبر (۱۳۷۴) آرامگاهی هشتضلعی در کنار بنا وجود دارد. بلر و بلوم (۱۳۸۱ و ۱۳۹۷) علاوه بر فضاهای نام برده شده در این مجموعه فضاهای دیگری نیز موجود می‌باشد.</p>  <p>حمام یا آشپزخانه آب انبار آش‌خانه کتابخانه</p>	<p>در بررسی عکس هوایی قسمت‌های دیگری نیز در کنار فضای اصلی خانقاه وجود دارد که کاوش شده اما اطلاعاتی در دست نیست. چیزی که مشخص است فضای اصلی مجموعه می‌باشد. مدرسه نیز مقابل خانقاه بنا شده که به نظر می‌رسد با بنای خانقاه بی ارتباط نیست.</p>  <p>مدرسه</p>	<p>ویلبر (۱۳۷۴) قبرهایی در صحن، پیرامون قبر شیخ قرار دارد. بنا قسمت‌های ناشناس زیادی داشته که به سبب تخریب آن مطالعه دیگری بر آن صورت نگرفته است. مقابل خانقاه نیز مدرسه‌ای بنا شده که بی ارتباط با بنای خانقاه نیست. احتمالاً خانقاه حجره‌هایی برای کسانی که از مدرسه و خانقاه استفاده می‌کنند داشته است.</p>  <p>مدرسه</p>	<p>ویلبر (۱۳۷۴) و عقابی (۱۳۷۸) بنا خود یک مجموعه مستقل بوده شامل مسجد، خانقاه و صحن اما در فاصله‌ای نزدیک یک مسجد در کنار خود داشته است.</p>  <p>مسجد</p>	<p>به گفته ویلبر (۱۳۷۴) بنا حول یک میدان مربعی شکل بوده که شامل مسجد، آب انبار، سردر دارالسیاده منتهی به خانقاه بوده است. در کتاب مدارس و ابنیه مذهبی آورده شده که این بناها جدیدتر از بنای خانقاه بوده و تیموری نیستند اما در دایره المعارف اسلامی با ذکر تاریخ این مساله رد می‌کند. اکنون آب انبار، مسجد، حمام و سردر دارالسیاده موجود است. در فاصله نزدیک از میدان قدیمی آرامگاه سید حسن واقف نیز موجود است.</p>  <p>حمام مسجد آرامگاه</p>
---	--	---	---	--

جدول ۵- معرفی گونه فضا یا بناهای خانقاه‌هایی که بخشی از آن موجود یا خانقاه‌های تخریب شده (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴؛ خادمزاده، ۱۳۸۷؛ ملازاده و محمدی ۱۳۸۱؛ عقابی ۱۳۷۸)

انبنه تخریب شده و یا بخش موجود آن	بخش موجود	گونه فضا یا بنا			
		نام	بخش موجود	کاربری کنونی	موقعیت
بخش موجود		مجموعه امیر خضرشاه		مسجد	یزد
		مجموعه میر خنجمانی		مسجد	یزد
		خانقاه ابومسعود		گنبدخانه	اصفهان
		مجموعه پیر حسین دامغانی		مسجد	یزد
تخریب شده		جلال الدین پورانی	-	-	هرات
		خانقاه ابوالقاسم نصر آبادی	-	-	اصفهان
		مجموعه خواجه نظام الملک خلوی	-	-	تربت حیدریه
		خانقاه ابوسعید	-	-	مهنه
		غوج دیوان	-	-	غوریان
		مجموعه فتح آباد	-	-	بخارا
		مجموعه اخلاصیه	-	-	هرات
					دوگنبدخانه، حیاط و مسجد
				خانقاه، مسجد و مدرسه	اصفهان
				شبستان، گنبدخانه و آرامگاه مقابل خانقاه	اصفهان
				بنا دارای گنبدخانه مرکزی، اتاق در سه ضلع، آرامگاه در مقابل یک محور خانقاه بوده است.	اصفهان
				صحن بزرگ مستطیلی، خانقاه، منار و حمام	اصفهان
				آرامگاه، خانقاه، خلوت‌خانه، مسکین‌خانه، جماعت‌خانه، خانه متولی، حمام و اصطبل	اصفهان
				مسجد جامع، مدرسه، دارالحفاظ، خانقاه، دارالشفاء و حمام	اصفهان

۴- یافته‌های تحقیق

از بررسی دقیق‌تر پلان و فضاهای پیرامونی خانقاه‌های بجای مانده از دوره تیموری دو نوع الگو حاصل می‌شود. خانقاه‌های الگو اول بناهایی را شامل شده که یک فضای مرکزی در وسط داشته و چند اتاق در پیرامون آن قرار گرفته است این خانقاه در دسته ابنیه منفرد جای دارد (جدول ۳). الگوی دوم خانقاه‌هایی بوده که در کنار فضای خانقاهی، فضاهای مستقل دیگر نیز شامل شده و با فضای اصلی خانقاه در ارتباط می‌باشد این نوع از جانمایی، تحت عنوان مجموعه-ارسن معرفی شده است (جدول ۴). فارغ از اینکه هر فضا در کدام دسته قرار می‌گیرند در هر فضاها فعالیت بخصوصی انجام شده یا فضا قابلیت انجام چند فعالیت را در خود دارا می‌باشند. مراتب ورود به هر دسته از فضاها یا قرارگیری آن‌ها در کنار یکدیگر با دیگری متفاوت بوده در عین حال نکته مشترک میان این دو دسته، اغلب همگی فضاها حول یک مرکز چهارگوش قرار گرفته‌اند.

۱-۴- ابنیه منفرد

ساختار ابنیه خانقاهی منفرد (جدول ۳) به صورت اجمالی، فضایی با هندسه مربع شکل که در میانه فضای اصلی واقع شده است. رایج‌ترین نامی که برای این فضا به کار می‌رود واژه جماعت‌خانه می‌باشد؛ جماعت‌خانه محلی برای مجلس‌گویی، سماع، زاویه‌نشینی، محل صرف غذا و اقامت برای خانقاهیان مورد استفاده بوده به صورتی که تجمع این فعالیت‌ها به این فضای چهارگوش منتهی می‌شود در عین حال خانقاه‌هایی که از امکانات بیشتری برخوردار باشد هر کدام از فعالیت‌های ذکر شده در فضای مخصوص به خود انجام می‌دهند.

اغلب ابنیه منفرد مطالعه شده در این پژوهش هسته مربع شکلی داشته که بیشترین فضا را به خود اختصاص داده است و معمولاً ایوان اصلی (ورودی) با داشتن عمق و پهنای زیاد، شاخص‌تر است و در صورت وجود ایوان در جهات دیگر همچون بنای ملاکلان، خواجه صدرالدین، خواجه وحیدالدین و قاسم‌انوار ایوان ورودی از تشخیص بیشتری برخوردار می‌باشد.

با این تفاسیر و بررسی خانقاه‌های منفرد دیگر از جمله عبدی درون و حکیم ترمذی روشن شد که این ابنیه به یک ورودی ختم نشده و دارای ورودی‌های متعدد به گنبدخانه می‌باشند؛ در بناهای تیموری ترجیح بر این داده می‌شد که بنا از چند جهت به فضای میانی نفوذ داشته باشد اما بعد از ساخت بنا امکان داشت این ورودی‌ها به دلایلی مسدود شود.

فضای درونی بخش میانی عمدتاً تاق، محراب و یا تاقچه‌هایی را در اضلاع خود داشته اما برخی از این تاقچه‌ها نظیر بنای قاسم انوار با عمق بیشتری به صورت شاه نشینی هویدا می‌گشت یا گاهی بعد از ساخت بنا، ضلع غربی یا جنوب غربی را مسدود می‌کردند تا برای گنبدخانه محرابی بسازند همچنان که در بنای خواجه وحیدالدین یکی از دهانه‌ها را بدین منظور مسدود کرده‌اند. در بنای ملاکلان نیز در ضلع غربی بنا دو محراب در نظر گرفته شده است یکی در ایوان و دیگری در تاق داخلی گنبدخانه محرابی قرار داده شده است که محراب قرار گرفته در ضلع غربی گنبدخانه نیز به وسیله مسدود سازی به وجود آمده است.

خانقاه ملاکلان و خواجه صدرالدین که امکانات بیشتری داشتند در کنار ایوان‌های ورودی اتاق‌هایی را شامل می‌شد که در چهار گوشه بنا قرار می‌گرفتند این اتاق‌ها نیز خود ایوان جداگانه‌ای داشت که از یک یا دو طرف اتاق را در بر می‌گرفت. اتاق‌ها در طبقه همکف و یا در طبقه بالا تعبیه شده بود که اتاق‌های قرار گرفته در طبقه بالا به وسیله غلام‌گردی فضای میانی را دور می‌زد جانمایی شده و با پلکان به طبقه همکف متصل می‌شد. خانقاه قاسم انوار و عبدی درون نیز وضعیت مشابهی دارد از این جهت که خانقاه انوار اتاق‌هایی در سه گوشه بنا قرار داشته که از دو جهت قابل دسترسی می‌باشد اما در خانقاه عبدی درون اتاق‌ها مجاور و یا پشت فضایی اصلی قرار داشته که هریک به دیگری راه دارد. اتاق‌هایی که پیرامون هسته مرکزی قرار گرفته با هندسه‌هایی همچون مربع، مستطیل و در مواردی نادر همانند خانقاه صدرالدین ارمنی در آشکوب بالا به صورت پنج ضلعی بود که کاربری این فضاها می‌تواند به صورت حجره‌های اقامتی برای شیخ یا مریدان و چله‌خانه را شامل شود.

خانقاه‌های منفرد معمولاً در میان قبرستان واقع شده‌اند این بناها از آنجا که بعد فوت شیخ به سبب اینکه آن مکان به مدفن تبدیل شده است مریدان و مردم محلی برای جستن از شیخ و کرامات‌اش که به گفته آنان بعد فوت او نیز ادامه داشت همانند روایاتی که

از ابوسعید ابوالخیر در اسرارالتوحید و شیخ مرشد ابواسحاق کازرونی در فروس المرشدیه آمده است، ترجیح می‌دادند در کنار او دفن شوند و این سنت باعث شده که اطراف خانقاه‌هایی نظیر ملاکلان، خواجه صدرالدین ارمنی، خواجه وحیدالدین، گور درویشان قبرستان به وجود آمده و بنا به خانقاه-گورستان تبدیل شود. در بناهای خانقاهی که ذکر آنان به میان آمده قبر شیخ و یا صوفیان مورد احترام به طرق مختلفی همچون قرار گرفتن قبر در ایوان رو به حیاط، حفر آن در شاه‌نشین نیم‌هستی و گنبدخانه واقع در پشت ایوان ورودی، یا قرار گرفتن آن در حظیره‌ای نزدیک بنا در جانمایی با خانقاه قرار گرفته است؛ نکته‌ای در بناهایی که بعد از فوت شیخ بر سرمزار آنان دیده می‌شود واقع شدن قبر آنان در یک محور با ایوان ورودی و جماعت‌خانه است.

۲-۴- مجموعه یا ارسن

نوع دیگری از خانقاه را می‌بایست در مجموعه بناها یا ارسن‌ها دنبال شود. خانقاه در این ابنیه با دو شکل متفاوت، اول به صورت ایجاد مجموعه بناهای خانقاهی مستقل و دوم، پدید آمدن در کنار یک مجموعه بزرگتر همانند آرامگاه به وجود آمده‌اند (جدول ۴). اغلب این بناها حول یک مرکز مربع یا مستطیلی مثل گنبدخانه و حیاط به صورت هسته‌ای سازمان دهنده جهت جانمایی ابنیه‌ای نظیر جماعت‌خانه، آرامگاه، مسجد، مدرسه، حمام و... شکل گرفته‌اند. نکته‌ای که در مورد مرافق هسته مرکزی قابل بحث است مدخل‌های منتهی به هسته مرکزی، عمق و پهنای زیادی دارند اما این مورد در سردر ورود به هسته مرکزی و محور اصلی بیش‌تر احساس می‌شود؛ نمونه مشابه این شیوه را به شکل دیگر در بناهای منفرد بررسی شد. فضاهای قرار گرفته پیرامون هسته مرکزی به وسیله دهلیزهایی احاطه شده که این دهلیزها در دو طرف و یا به صورت غلام گرد فضاها را دور میزنند نمونه‌ای از این چیدمان فضایی را در بناهایی نظیر خواجه احمد یسوی و زیارتگاه شیخ جمال‌الدین می‌باشد. شیوه متداولی که در بناهای دوره تیموری رایج است که شاید معروف‌ترین آن‌ها مجموعه مظفریه تبریز، خصوصاً مسجد کبود که از آثار بجای مانده از دوره تیموری می‌باشد. نکته دیگری که در ابنیه مجموعه خانقاه‌های تیموری مشاهده می‌شود تعدد فضاهای گنبدخانه‌ای در یک محور است که سلسله مراتب این فضاها به صورت گنبدخانه‌ای در پیش و آرامگاه در پشت آن قرار گرفته است مانند بنای خواجه احمد یسوی و یا تکرار چند گنبدخانه در پشت یکدیگر نظیر مجموعه شیخ علی بنیمان می‌باشد.

نوع دیگری از جانمایی گنبدخانه را می‌توان در تقابل یا مجاورت گنبدخانه‌ها با یکدیگر دید مثلاً در مجموعه گور امیر گنبدخانه آرامگاه در کنار گنبدخانه خانقاه قرار دارد و یا در خانقاه شیخ جمال‌الدین گنبدخانه مسجد و خانقاه در مجاورت یکدیگر می‌باشد و گنبدخانه خانقاه در تقابل با مدرسه در طرف دیگر صحن است که این بناها نمونه‌ای از تعدد گنبدخانه را در دوره تیموری نشان می‌دهد. گونه دیگر از بناهای خانقاهی که جز ارسن‌ها به حساب می‌آید؛ بنای خانقاه در نزدیکی مستقالات قرار گرفته و برطرف کننده نیاز ساکنین است که نمونه بارز آن را می‌توان در خانقاه سید حسن واقف در افوشته نطنز دید که بنای خانقاه در نزدیکی مسجد، حمام و آب‌انبار قرار داشته و بعد از فوت بانی خانقاه، آرامگاه او در فاصله‌ای نزدیک به خانقاه قرار گرفته که همه این ابنیه در کنار یکدیگر یک ارسن شهری را تشکیل می‌دهد. در متون و وقفنامه نیز مثال دیگری از این نوع ارسن آورده شده نظیر بنای تخریب شده مجموعه اخلاصیه که متشکل بوده از مسجد، مدرسه، دارالشفاء و باغ که در کنار یکدیگر قرار گرفته و در آن طرف رود انجیل خانقاه و یک گنبدخانه قرار داشت که به واسطه یک پل بهم مرتبط می‌شدند (طلایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۷).

۵- بحث در نتایج و یافته‌ها

مطالعه یافته‌های به دست آمده از فضاهای خانقاهی دوره تیموری نشان می‌دهد استفاده از هندسه‌ای مشترک با جانمایی‌های متفاوت، خانقاه‌های این دوره را شکل داده که با برخی تغییرات در دیگر خانقاه‌ها تکرار شده است. به صورت کلی دو الگوی منفرد و مجموعه-ارسن همواره مورد استفاده بوده است. تحلیل مطالب آمده در مورد دو الگوی منفرد و مجموعه-ارسن نشان می‌دهد میان ویژگی‌های بیان شده شباهت و تفاوت‌هایی وجود دارد که جهت نتیجه‌گیری از ارتباط فضایی این دوره اهمیت دارد. در دو الگوی خانقاهی نحوه ورود به فضا دارای اهمیت است از این جهت که به وسیله ایجاد پهنا و تعمق بخشی به ایوان ورودی سعی بر شاخص ساختن ورود به این ابنیه بود؛ علاوه بر این، برجستگی ایوان ورودی نسبت به ساختمان نیز در معماری تیموری این حس را تقویت می‌کرد که در خانقاه‌های خواجه احمد، گور امیر، بنیمان، خواجه وحیدالدین، حکیم ترمذی و قاسم انوار نمود

دارد. ویژگی مشترک گفته شده اغلب در بدو ورود به گنبدخانه به کار رفته می‌شد اما در بناهای گور امیر و بنیمن ایوان منتهی به صحن نیز از این ویژگی برخوردار است. تعدد ورودی در ساخت گنبدخانه‌های منفرد و مجموعه-ارسن جزو خصوصیات بناهای خانقاهی است البته در ابنیه‌ای که ماهیت منفرد داشته بناها به صورت چهار صفا و در بناهای مجموعه‌ای با در میان قرار گرفتن گنبدخانه در کنار ابنیه دیگر، ابنیه به صورت چهار صفا یا چهار ایوانی نیست اما همچنان تعدد مدخل به خود را حفظ کرده است که در بنای خواجه احمد بیشترین تعداد مدخل به فضای گنبدخانه اصلی را دارا می‌باشد.

تفاوتی که می‌بایست میان بناهای منفرد و مجموعه-ارسن‌ها قائل شد نحوه کاربرد گنبدخانه در این ابنیه می‌باشد؛ در بناهای مجموعه-ارسن استفاده از چند گنبدخانه در کنار یکدیگر یا قرار گرفتن آنان با فاصله‌ای رایج است. این گنبدخانه‌ها معمولاً به صورت محوری پشت به ایوان اصلی یا در کنار ایوان اصلی مقابل یکدیگر قرار می‌گرفتند که در بناهای خواجه احمد، گور امیر، شیخ جمال‌الدین و بنیمن قابل بررسی‌اند اما در بناهای منفرد تنها از یک گنبدخانه به جهت فعالیت‌های خود استفاده می‌کرد.

تفاوت دیگر میان این دو الگو، فراهم آوردن امکاناتی جهت کاربرد چندگانه گنبدخانه ابنیه منفرد است. شاهدهی که برای این گفته می‌توان آورد قرار دادن محراب در گنبدخانه بنای ملاکلان و خواجه وحیدالدین می‌باشد؛ در گنبدخانه خواجه وحیدالدین با مسدود سازی یکی از ورودی‌ها این کار انجام شده و در بنای ملاکلان در ایوان شمالی و نیز در هسته میانی، محرابی در ضلع غربی بنا قرار داده شده است. در بنای قاسم انوار، حکیم ترمذی و خواجه وحیدالدین نیز ترجیح بر این داده شده که بجای در نظر گرفتن گنبدخانه اختصاصی برای دفن شیخ در همان بنای اصلی او را دفن کنند که این روش با شیوه مورد استفاده در مجموعه‌ها متفاوت است. در مجموعه-ارسن‌های خواجه احمد، گور امیر و حسن واقف فضای جداگانه‌ای برای آرامگاه و در بنای بنیمن، حسن واقف، خواجه احمد، شیخ جمال‌الدین و شاه نعمت‌الله یک فضای جداگانه‌ای به جهت مسجد در نظر گرفته شده است. در نمونه‌ای دیگر در بنای جمال‌الدین محل خانقاه، مسجد و مدرسه از یکدیگر تفکیک شده که در بنای گور امیر نیز گنبدخانه خانقاه، آرامگاه و محل قرار گیری مدرسه با یکدیگر متفاوت می‌باشند.

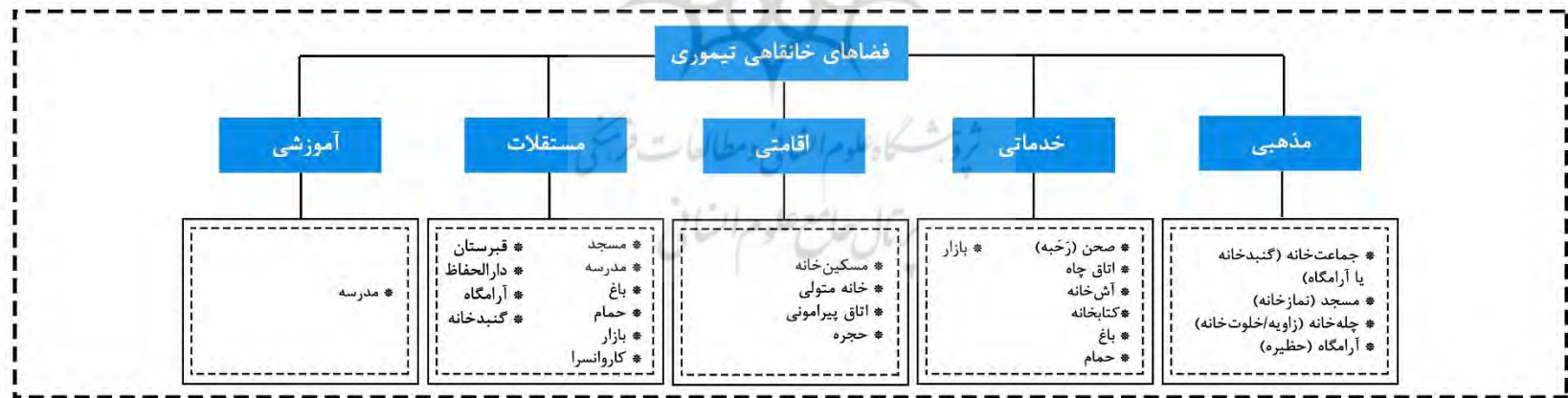
بررسی فضاهای گنبدخانه در مجموعه یا ارسن‌ها نشان می‌دهد که عمده این فضاها از هندسه مربع متشکل شده است. مقایسه صورت گرفته در جدول ۶ نمایانگر استفاده از هندسه چهارگوش با شکل مربع در خانقاه‌ها به ویژه فضای مرکزی و استفاده از شکل مستطیل در ساختار کلی فضا می‌باشد. تطبیق فضاهای ارائه شده در جدول براساس فضاهایی بوده که حداقل دوبار تکرار شده و صحت شکل آن برای نگارندگان مشخص بوده با این حال جدول ۶، ارائه کننده تمام فضاهای مطالعه شده از دوره تیموری بوده و ترسیم کننده فضاهای مورد استفاده در خانقاه‌های این دوره است.

جمع‌بندی ارائه شده (تصویر ۱) از بناهای خانقاهی در ادوار مختلف نشان داد که فضاهای خانقاهی ذیل پنج دسته که شامل مذهبی، آموزشی، اقامتی، خدماتی و مستقلات قرار خواهند گرفت. براساس خانقاه‌های بررسی شده در جدول ۶ متداول‌ترین فضاهای مورد استفاده در این ابنیه در دسته مذهبی قرار دارد که گنبدخانه، چله‌خانه، مسجد و آرامگاه را شامل می‌شوند؛ در دسته خدماتی، صحن و مدرسه؛ در دسته اقامتی، اتاق یا حجره و در دسته مستقلات، قبرستان، مسجد و آرامگاه بیشترین وابستگی را به خانقاه دارند. در این ابنیه هندسه مربع بیشترین استفاده را داشته که اغلب گنبدخانه‌ها با همین هندسه ساخته شده‌اند و هندسه مستطیل شکل بعد از آن بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است. در موارد نادری نیز استفاده از هندسه چند ضلعی در اتاق یا حجره‌ها و به ویژه آرامگاه استفاده می‌شد. با در نظر گرفتن کلیت بناهای بررسی شده این نتیجه حاصل می‌شود که اغلب بناهای منفرد فرم مستطیل شکل و اکثر بناهای مجموعه-ارسن فاقد شکل مشخص می‌باشند.

آگاهی که برخی از بناهای خانقاهی که نامی از آنان برده شده در سال‌های مختلف تخریب شده و یا بخشی از آن یا برجاست که می‌بایست جهت جمع‌بندی صحیح‌تر از بناهای مورد استفاده در دوره تیموری آنان را در دسته‌بندی پنج‌گانه دخیل داشت تا تصویر مناسب‌تری از فضاهای آن را ارائه کند. با مطالعه ۱۳ بنای به جای مانده از دوره تیموری (جدول ۳ و ۴) و ۱۱ بنای تخریب شده (جدول ۵) از این دوره که اطلاعات فضایی آن نیز موجود است می‌توان این پنج دسته را نیز برای این دوره قایل شد (تصویر ۲). اشاره مجدد به این نکته ضروری می‌باشد که فضاهای ارائه شده در این پنج دسته می‌توانند یکدیگر همپوشانی داشته باشند اما در جمع‌بندی پنجگانه فضاهای مستقل در نظر گرفته شده است.

جدول ۶- الگوی فضایی خانقاه‌ها در دوره تیموری منطبق بر دو گونه ابنیه منفرد و مجموعه-ارسن (مأخذ: نگارندگان)

الگوی فضایی		ابنیه منفرد خانقاهی											ارسن یا مجموعه	
		مجموعه											ارسن	
نام بنا		مجموعه											ارسن	
		حیات دار		بدون حیات		حیات دار		بدون حیات		حیات دار		بدون حیات		
گنبدخانه	نامنظم	گور درویشان	عبدی درون	حکیم ترمذی	خواجه وحیدالدین	قاسم انوار	ملاکلان	خواجه صدرالدین	شیخ علی بنیمان	سیدحسن واقف	خواجه احمد یسوی	شیخ جمال الدین	شاه نعمت الله ولی	گور امیر
چله خانه	-	-	-	-	-	-	-	-	مربع	-	مربع	مربع	مربع	مربع
مسجد	-	-	-	-	-	-	-	-	مربع	-	مربع	مربع	مربع	مربع
آرامگاه	-	-	مربع	-	-	مربع-نیم هشتی	-	-	-	-	مربع	-	-	مربع
صحن	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	احتمالا مستطیل	احتمالا مستطیل	مربع
مدرسه	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	مربع	-	مربع
اتاق یا حجره	-	احتمالا مربع	-	-	-	مستطیل-مربع	مربع	مربع- پنج ضلعی	-	هشت گوش	-	احتمالا مستطیل	-	احتمالا مستطیل
قبرستان	بدون شکل	-	-	-	بدون شکل	-	بدون شکل	بدون شکل	-	-	-	بدون شکل	-	-
مسجد	-	-	-	-	-	-	-	-	مستطیل	مستطیل	-	-	-	-
آرامگاه	-	-	-	-	-	-	-	فاقد اطلاعات	فاقد اطلاعات	هشت ضلعی	هشت ضلعی	-	-	-
فرم کلی بنا	تقریبا مستطیل	مستطیل	مستطیل	مستطیل	مستطیل	مستطیل	مستطیل	مستطیل	مستطیل	مستطیل	مستطیل	احتمالا مستطیل	بدون شکل	بدون شکل



تصویر ۲- فضاهای خانقاهی تیموری (مأخذ: نگارندگان)

۶- نتیجه گیری

گسترش و ساخت خانقاه در دوره تیموری را می‌توان در ابتدا مرهون عوامل اجتماعی (محبوبیت صوفیان)، سیاسی (ارتباط حاکم با صوفی)، اقتصادی (تامین مالی از دیگران یا انجام فعالیت اقتصادی توسط صوفیان) و نظامی (نقوذ به سرزمین‌های دیگر) دانست. بر خلاف برخی پژوهش‌ها که صرفاً یکی از عوامل فوق را در ایجاد خانقاه موثر می‌دانند؛ مطالعه بستر فرهنگی خانقاه نشان می‌دهد که ایجاد خانقاه به یک مولفه وابسته نبوده و مجموعه‌ای از عوامل را شامل خواهد شد. این عوامل باعث ساخت ابنیه و فضاهایی است که با حداقل یا حداکثر امکانات، محلی را فراهم می‌نمود تا صوفیان به عبادت و سلوک بپردازند. الگویابی فضای خانقاه‌های بررسی شده نمایانگر وجود دو الگوی ساخت خانقاه شامل ابنیه منفرد و مجموعه-ارسن می‌باشد. شباهتی از جمله تشخیص در ایوان‌ها، تعدد در ورود به گنبدخانه، وجود فضاها یا اتاق‌هایی پیرامون گنبدخانه و کاربرد هندسه مشترک در گنبدخانه همچنین تفاوت‌هایی مانند تعدد گنبدخانه و جانمایی آنان به صورت قرارگیری روی یک محور یا روبه‌رو ساختن گنبدخانه‌ها و تلاش برای ساخت محراب برای گنبدخانه منفرد عواملی اند که از آن می‌توان نتیجه گرفت گنبدخانه‌های منفرد از تجمیع فعالیت برخوردار بوده‌اند اما در بناهای مجموعه-ارسن سعی بر تفکیک فعالیت‌ها از یکدیگر بوده است. افزون بر این تفاوت در انتظام الگوی هندسی ابنیه منفرد نسبت به مجموعه-ارسن ناشی از تعدد فضاها یا ساخت بناهای الحاقی طی دوره‌های مختلف در ابنیه مجموعه-ارسن است. ذکر دستاوردهای این پژوهش از آن جهت اهمیت دارد که فرآیند ایجاد خانقاه تا شکل‌گیری الگوها و فضاهای ناشی از آن را در یک دوره زمانی بررسی می‌کند تا به وسیله مقایسه شباهت و تفاوت‌ها میان دسته بندی ارائه شده به ویژگی الگوهای فضایی خانقاه‌های تیموری دست یافت. تمرکز اصلی پژوهش حاضر به موجب جلوگیری از طولانی نشدن مقاله بر روی مطالعه روابط فضایی خانقاه‌های تیموری بوده که لازم است در مطالعات بعدی ابعاد دیگر خانقاه از جمله: بررسی الگوی فضایی خانقاه‌های دوران پیش از تیموری و قیاس معماری هر یک از طرایق دارای نظام خانقاهی در نظر گرفته شود چراکه انجام پژوهش‌های مشابه ضمن بروز رسانی اطلاعات موجود، زمینه توجه بیشتر به خانقاه‌ها و مطالعه ابعاد دیگر آن به ویژه بعد معماری این ابنیه را فراهم خواهد کرد. با اینکه به دلیل سیاست‌های دولت صفویه بسیاری از خانقاه‌های به جای مانده از دوره‌های گذشته از میان رفت اما برخی از این ابنیه مجبور به تغییر کاربری شدند که گذشت زمان باعث شد تا مردم این ابنیه را با عنوان امامزاده بشناسند؛ با این توضیح لزوم توجه به این ابنیه جهت شناسایی، مستندنگاری و بروز رسانی اطلاعات خانقاه‌ها را در زمان حاضر بیشتر می‌کند.

منابع

- آملی، شمس‌الدین محمد بن محمود. (۱۳۸۱). نفاث الفنون فی عرائس العیون. تصحیح و پاورقی: میرزا ابوالحسن شعرائی. تهران: انتشارات اسلامیه.
- ابوحماد کرمانی، افضل‌الدین. (۱۳۲۶). تاریخ افضل یا بدایع الازمان فی وقایع کرمان. فرآورده: مهدی بیانی. تهران: دانشگاه تهران.
- اوکین، برنارد. (۱۳۸۶). معماری تیموری در خراسان. مترجم: علی آخشینی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- الهیاری، فریدون؛ نورائی، مرتضی و رسولی، علی. (۱۳۸۸). طریقت و تجارت؛ کارکردهای تجاری طریقت نقشبندیه. فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام و ایران. دوره ۱۹ (۴)، ۱-۴۰.
- الشیبی، کامل مصطفی. (۱۳۹۴). تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری. مترجم: علیرضا ذکاوتی قراگزلو. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- بلر، شیلا و بلوم، جانانان. (۱۳۸۱). هنر و معماری اسلامی ۲ (۱۲۵۰-۱۸۰۰)، ترجمه: فائزه دینی و یعقوب آژند. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت): فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
- بلر، شیلا و بلوم، جانانان. (۱۳۹۷). معماری روزگار تیموریان. مترجم: محمد نخعی. مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: سمت.
- بوزجانی، درویش علی. (۱۳۴۵). روضه الریاحین. به کوشش: حشمت موبد. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- جامی، عبدالرحمن. (۱۳۷۸). نامه‌ها و منشآت جامی. تصحیح: عصام‌الدین اورون بایف و اسرار رحمانوف. تهران: انتشارات میراث مکتوب.
- جامی، عبدالرحمن. (۱۳۷۷). جلیه حُلل یا رساله کبیر. به اهتمام: نجیب مایل هروی. مشهد: نشر نوید.
- حاجی قاسمی، کامبیز. (۱۳۸۹). گنجنامه: فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران: امامزاده‌ها و مقابر. تهران: دانشگاه شهید بهشتی روزنه.

- حسینی، هاشم. (۱۳۸۸). بررسی روند شکل‌گیری مجموعه‌های آرامگاهی در معماری ایران دوران اسلامی. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی. دوره ۱ (۲۳)، ۱۵-۲۳.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام حسینی. (۱۳۶۲). تاریخ حبیب السیر. جلد ۳ و ۴. تصحیح: دکتر محمد دبیر سیاقی. چاپ سوم. تهران: کتابفروشی خیام.
- رحمتی، محمد کاظم. (۱۳۷۸). پژوهشی درباره کرامیان. هفت آسمان. سال اول (۲)، ۱۱۸-۱۴۳.
- دراجی، حمیدمحمد. (۲۰۰۱). الربط و التکایا البغدادیة فی العهد العثماني (۹۴۱-۱۳۳۶ ه.ق/ ۱۵۳۴-۱۹۱۷ م): تخطیطها و عمارتها. ج ۱. بغداد.
- دامادی، سیدمحمد. (۱۳۷۴). ابوسعیدنامه (در بیان شرح احوال و عقاید و افکار و روش زندگانی ابوسعید ابوالخیر). چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی. (۱۳۵۸). تاریخ مبارک غازانی. تصحیح: کارن یان. هرتفرد: استفن اوستین.
- رشیدالدین، فضل‌الله. (۱۳۶۴). مکاتبات رشیدی. تصحیح: محمد شفیق. لاهور: پنجاب ایجو کینشل پریس.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۹). جستجو در تصوف ایران. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- سمرقندی، عبدالرزاق. (۱۳۸۳). مطلع سعدین و مجمع بحرین. جلد اول دفتر دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سلطانی، سینا. (۱۳۹۱). جستجویی برای شناخت معماری خانقاه در ایران: خراسان سده پنجم. استاد راهنما: دکتر مهرداد قیومی بیدهندی. دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۴). تاریخ ادبیات در ایران. جلد چهارم. تهران: انتشارات فردوسی.
- طلائی، مریم؛ عقیقی، وحیده و فهیمی‌فر، اصغر. (۱۳۹۷). ارائه طرح مجتمع اخلاصیه هرات (۸۸۰-۸۸۶ ه.ق). فصلنامه آرمان‌شهر. دوره ۱۱ (۲۵)، ۹۷-۱۰۹.
- عقابی، محمدمهدی. (۱۳۷۸). بناهای تاریخی دوره اسلامی (بناهای آرامگاهی). تهران: حوزه هنری.
- فراهانی منفرد، مهدی. (۱۳۸۲). پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فوربزمز، بناتریس. (۱۳۹۰). قدرت، سیاست و مذهب در ایران تیموری. ترجمه: جواد عباسی. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود. (۱۳۷۳). آثارالعباد و اخبارالبلاد. ترجمه با اضافات: جهانگیر میرزا قاجار. تصحیح: میرهاشم محدث. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- کیانی، محسن. ۱۳۶۹. تاریخ خانقاه در ایران. چاپ اول. تهران: کتابخانه طهوری.
- کاشانی، عزالدین محمود بن علی. (۱۳۹۴). مصباح الهدایه و مصباح الکفایه. تصحیح: جلال‌الدین همایی. تهران: سخن.
- کریمی، حامد رضا و گذشته، ناصر. (۱۳۸۶). عناصر نمادین در معماری خانقاه‌های ایران از سده هفتم هجری تاکنون. مطالعات عرفانی. دوره ۱، (۲۵)، ۶۳-۸۴.
- گرابر، اولک و دیگران. (۱۳۸۹). معماری اسلامی، ترجمه: اکرم قیطاسی. تهران: انتشارات سوره مهر.
- لاری، رضی‌الدین عبدالغفور. (۱۳۴۳). تکلمه حواشی نفحات الانس. تصحیح و تحشیه: بشیر هروی. کابل: انجمن جامی.
- لاله، هاید و شیخ‌الحکمایی، عمادالدین. (۱۳۸۷). بناهای معروف به ابواسحاقیه در ایران و سرزمین‌های اسلامی. مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. دوره ۵۹ (۴-۱۸۶)، ۱۱۱-۱۴۲.
- محمود بن عثمان. (۱۳۵۸). فردوس‌المرشدیه فی اسرار الصمدیه. به کوشش: ایرج افشار. تهران: کتابخانه طهوری.
- مرتضوی، منوچهر. (۱۳۴۱). تحقیق درباره دوره ایلخانیان ایران. تبریز: چاپخانه شفق.
- مستوفی بافتی، محمد مفید. (۱۳۸۵). جامع مفیدی (جلد سوم بخش دوم). به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- مشتاق، خلیل. (۱۳۸۷). هنر و معماری ایران در دوره باستان و دوره اسلامی. تهران: آزاد اندیشان.
- ملازاده، کاظم و محمدی، مریم. (۱۳۸۱). مدارس و بناهای مذهبی (تکیه، حسینیه، خانقاه، قدمگاه، مدرسه، مصلی). تهران: سوره مهر.
- مهینی، محمد بن منور. (۱۳۸۲). اسرارالتوحید فی مقامات شیخ ابو سعید. مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمدرضا شفیعی کدکنی. چاپ پنجم. تهران: آگه.
- میرجعفری، حسین. (۱۳۸۵). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- میرخواند، غیاث‌الدین. (۱۳۷۸). مکارم الاخلاق (شرح حال امیرعلی شیر نوایی). تصحیح: محمداکبر عشیق. تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.
- نیک‌زاد، ذات‌الله و دانایی‌فرد، مطهره. (۱۳۹۷). معماری روزگار مظفریان. مهرداد قیومی بیدهندی (گردآورنده): معماری ۲. تهران: سمت.
- واله داغستانی، علی‌قلی‌خان. (۱۳۸۴). ریاض الشعرا، تصحیح: محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.
- ویلبر، دونالد و گلمبک، لیزا. (۱۳۷۴). معماری تیموری در ایران و توران. ترجمه: کرامت‌الله افسر و محمدیوسف کیانی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور. هیلن براند، رابرت. (۱۳۸۰). معماری اسلامی: شکل، کارکرد و معنی. ترجمه: باقر آیت‌الله‌زاده‌شیرازی، تهران: روزنه.

Original Research Article

Recognizing Architectural Pattern of Khanqahs in Timurid Era According to Documents and Texts

Mohammad Sheikhol Hokamaei¹, Ahad Nejad Ebrahimi^{2*}

- 1- M, A Student in Architecture of Islamic, Faculty of Architecture and Urbanism, Islamic Art University of Tabriz, Tabriz, Iran.
- 2- Ph.D. in Architecture, Associate Professor, Faculty of Architecture and Urbanism, Islamic Art University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Abstract

Sufism and Khanqah buildings are an integral part of Iranian architectural history that was considered a center for promoting Islam and its expansion in different regions for centuries. Many consider Khanqah as one of the charity buildings; because these buildings often provided the required welfare amenities for the settlement of sufis, travelers, and people of that region, such as a chamber for resting and settling, a kitchen for preparing daily meals, a mosque, school, caravanserai, cistern, etc., Having these services all together was beneficial for Sufis, travelers and poor people. Khanqah systems were formed in various ways from an architectural perspective over their lifetime due to their status, manner, and in the period of different governments. Studying and recognizing their various aspects reveals the latent dimensions of these buildings. Timurid era was the last period of the history of Iranian architecture in which the khanqah system, played a determining role as an essential pillar in terms of the historical and cultural dimensions of Iranian architecture; and thus, its study seems necessary and beneficial. The nature of khanqah must be considered more than a place for mysticism and praying, because khanqahs were often associated with the society and linked to significant urban facilities, such as mosques, schools, caravanserai, baths, etc. In recent years, few studies have been done on the aspects of the formation and architecture of the khanqah. The lack of sufficient studies in this regard raises questions about their architecture. The current study aims to analyze the cultural context of Sufism and identify the patterns of khanqah system formed in the Timurid era in central Asia, Southern Asia, and a part of contemporary Iran. This research was a descriptive-analytical study. It was attempted to identify the aspects of the cultural history of khanqah by examining library sources, such as books, papers, historical and architectural evidence, recognize khanqah spaces and draw patterns of khanqah in the Timurid era by analyzing technical architectural and research documents. Research findings show that khanqahs of the Timurid era consisted of a central core, such as a main dome house or courtyard that other spaces were formed around them as a result of which the khanqahs of this period were built based on two patterns: single-buildings and complex-Arsen.

Keyword: Architecture, Khanqah, Cultural history, spatial pattern, Timurid